خبرها

آهنج با سریال جدید

«به دنیا بگوئید بایستد» اواخر تابستان روی آنتن شبکه تهران می‌رود. تصویربرداری مجموعه تلویزیونی «به دنیا بگوئید بایستد» به کارگردانی محمدرضا آهنج اخیراً به پایان رسید و این مجموعه اواخر تابستان از شبکه تهران روی آنتن می‌رود. مجموعه تلویزیونی «به دنیا بگوئید بایستد» با نام قبلی «کمی جلوتر» در گروه فیلم و سریال شبکه تهران به تهیه‌کنندگی حمیدرضا مهدوی تولید شده و تصویربرداری آن هفته گذشته به پایان رسید. قرار است پس از پایان تدوین مجموعه زیر نظر سیدمجید امامی در مردادماه این سریال اواخر تابستان از شبکه تهران پخش شود. در «به دنیا بگوئید بایستد» مریم کاویانی، امیرمحمد زند، حامد کمیلی، آزیتا لاچینی، فریبا متخصص، محمود عزیزی، جمشید گرگین و فرهاد قائمیان بازی کرده‌اند. داستان این مجموعه درباره جوانی است که متهم است در زمان خدمت سربازی هم خدمت خود شهریار والا را در پادگان به قتل رسانده است. دادگاه بدوی او را به اعدام محکوم می‌کند و در دادگاه تجدیدنظر حکم تایید می‌شود، اما از دیوان عالی کشور تقاضای بررسی مجدد می‌کند.

دل خوش سیری چند؟

مجموعه داستانی «دل خوش سیری چند؟» به کارگردانی مجید جوانمرد ساخته شد. این سریال در ۱۶ قسمت ۴۲ دقیقه‌ای در صدا و سیمای مرکز اصفهان تهیه و تولید شده است و تهیه‌کنندگی آن را حسن اکلیلی و نویسندگی اش را حسن مشکلاتی برعهده دارد. داستان «دل خوش سیری چند؟» در ایام نوروز می‌گذرد. در یک مجتمع مسکونی به دلیل کمبود محل اسکان و کثرت مسافر در اصفهان تعدادی مسافر از شهرهای مختلف کشور دور هم جمع می‌شوند که این اختلاط فرهنگی باعث بروز اتفاقات تلخ و شیرینی در این مجتمع مسکونی می‌شود. عوامل دیگر این مجموعه عبارتند از: مدیر تصویربرداری: ابوالفضل اقوام‌کرباسی، صدابردار: حسین حجازی، مجری طرح و مدیر تولید: حسین خواجویی، دستیار اول کارگردان و برنامه‌ریز: ایرج رضایی، بازیگران: حسن اکلیلی، پوراندخت مهیمن، مرتضی کیوانداریان، سیف‌الله نامداری، شهریار دخانی، بیژن رافعی، سهیلا رفیعی، معصومه موسوی، هوشنگ بشارت، فروزان کربلایی و...

فیلم‌های مردادماه شبکه پنج

به گزارش روابط عمومی شبکه تهران لیست فیلم‌های سینمایی شبکه تهران تا پایان مردادماه ۸۵ به شرح زیر است: ضربه میمون (تکرار) ۸۵/۵/۱۸ ساعت ۲۲/۳۰- کینگ کنگ (تکرار) ساعت ۰/۴۰ بامداد - سرکار ۸۵/۵/۲۰ ساعت ۱۳/۳۰- منطقه حفاظتی مشترک ۸۵/۵/۲۲ ساعت ۲۲/۳۰ - سرکار (تکرار) ۸۵/۵/۲۵ ساعت ۲۲/۳۰ - منطقه حفاظتی مشترک (تکرار) ۸۵/۵/۲۶ ساعت ۰/۴۰ بامداد - پنج ساعت اضطراب ۸۵/۵/۲۷ ساعت ۱۳/۳۰ - شاه آرتور ۸۵/۵/۲۹ ساعت ۲۲/۳۰ گفتنی است شبکه پنج در مردادماه تاکنون فیلم‌های پولی آنا، بازرس فویل، ضربه میمون و کینگ‌کنگ را پخش کرده است.

فخیم‌زاده تهیه‌کننده بی‌صدا

با پرداخت بخشی از بودجه ساخت «بی‌صدا» تصویربرداری این سریال برای پخش در ۱۳ قسمت از سر گرفته شد. عبدالرضا شهباززاده با اعلام این خبر و این که تغییراتی در گروه سازنده انجام شده است در گفت‌وگو با خبرنگار سرویس تلویزیون خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) افزود: به تازگی مجری طرح این سریال را شخصاً برعهده گرفته‌ام و ادامه «بی‌صدا» از سی‌ویکم تیرماه به تهیه‌کنندگی خود مهدی فخیم‌زاده آغاز شده است. وی درباره روند تولید این مجموعه گفت: تاکنون ۳۰ درصد از تصویربرداری انجام شده است که این مرحله تا سه ماه آینده ادامه می‌یابد. به گفته این مجری طرح، گروه سازنده سریال، اکنون در یکی از بیمارستان‌های تهران در حال تصویربرداری سکانس‌های مربوط به شخصیت لیلا هستند. شهباززاده در پایان از تغییر تعداد قسمت‌های «بی‌صدا» خبر داد و خاطرنشان کرد: فیلمنامه این سریال در مراحل پایانی نگارش قرار دارد و در ۱۳ قسمت ساخته می‌شود. ساخت سریال «بی‌صدا» ۱۰ تیرماه به علت مسائل مالی متوقف شده بود. گفتنی است که تهیه‌کننده و مجری طرح پیشین این مجموعه، محمد مسعود بود و قرار بود «بی‌صدا» در ۱۰ قسمت ساخته شود. شایان ذکر است که نویسنده و کارگردان این مجموعه مهدی فخیم‌زاده است. بازیگران: مهدی فخیم‌زاده (غلام)، محمدرضا صادقی (چنگیز)، سارا خوئینی‌ها، فریبا کوثری.

میهمانی آسیه به انتها می‌رسد

با گذشت یک ماه از آغاز تصویربرداری فیلم تلویزیونی «آسیه» و نزدیک شدن به روزهای پایانی، عوامل فیلم این روزها کم‌کم وسایلشان را از خانه آسیه جمع می‌کنند. آنها که پس از ۱۵ روز پیش تولید کارشان را از ابتدای تیرماه سال جاری در روستایی به نام جوادآباد در حومه ورامین آغاز کرده‌اند، قصه زنی را روایت کردند که پس از فوت شوهرش با مشکلات و اتفاقات بسیاری مواجه می‌شود که آنها را یکی پس از دیگری کنار می‌زند. آسیه اولین کار بلند ویدئویی آرش سجادی‌حسینی است که پیش از این به عنوان دستیار کارگردان در چندین پروژه تلویزیونی حضور داشته است. داستان این فیلم که ۴۰ درصد آن در خانه آسیه و بقیه در ۱۸ لوکیشن در حوالی همان روستا فیلمبرداری می‌شود، اگر چه براساس محوریت یک زن شکل می‌گیرد اما تاثیر بازماندگان جنگ را نیز در خود دارد. تصویربرداری این اثر را فرهاد مافی انجام داده که پیش از این نیز فیلمبرداری مجموعه تلویزیونی روزهای به یاد ماندنی را در کارنامه‌اش داشته است. آرش برومند نیز صدابردار آسیه بوده است. در کنار حمیرا ریاضی که شخصیت محوری آسیه را بازی می‌کند، ناصر گیتی‌جاه، محسن قاضی‌مرادی، محمود عزیزی و سلیمه رنگزن از دیگر بازیگرانی هستند که در این فیلم به ایفای نقش می‌پردازند. این فیلم که بخشی از سکانس‌های آن در گندمزارهای ورامین فیلمبرداری شده است نویسنده فیلمنامه‌اش آسیه شهرام‌کرمی بوده و تهیه‌کنندگی آن را نیز جواد نوروزبیگی برای مرکز سیمافیلم برعهده داشته است.

نگاهی به فیلم «دفاع سری» ساخته ژاک ریوت، پخش‌شده از سینما چهار

دو روز بعد

مجتبی پورمحسن

از برنامه سینما چهار، فیلم «دفاع سری» ساخته ژاک ریوت، فیلمساز فرانسوی پخش شد. فیلمنامه این فیلم ۱۷۰ دقیقه‌ای (در ایران ۱۳۶ دقیقه) را ژاک ریوت و امانوئل کیوایو و پاسکال بونیتزر نوشته‌اند. ویلیام لوبچانسکی، فیلمبرداری و نیکول لوبچانسکی تدوین فیلم را بر عهده داشته است. موسیقی فیلم هم بر عهده یوردی سادالی است. ساندرین بونیر، جرزی رادزی ویلوویچ، لورمارساک، فرانسوا فابین و گریگور کالین بازیگران فیلم «دفاع سری» هستند. این فیلم محصول سال ۱۹۹۸ کشور فرانسه است.

■ خلاصه فیلم

سیلوی محققی که درباره سرطان تحقیق می‌کند، توسط برادرش مطلع می‌شود که مرگ پدر آنها بر اثر خودکشی یا تصادف نبوده و در واقع پای یک قتل در میان است. مدرک او عکسی است که در آن همکار پدر پل و سیلوی حضور دارند. سیلوی در ابتدا حرف برادرش را باور نمی‌کند. اما پس از آنکه شکش نزدیک به یقین می‌شود، تصمیم می‌گیرد خودش انتقام پدرش را بگیرد. سیلوی به ویلای روستایی والسر می‌رود. اما ورونیک، دوست دختر و منشی والسر وقتی می‌خواهد جلوی سیلوی را بگیرد، اسلحه شلیک می‌شود و ورونیک می‌میرد. والسر جسد ورونیک را توی رودخانه می‌اندازد. اما چندی نمی‌گذرد که لودوین، خواهر ورونیک سراغ خواهرش را می‌گیرد. والسر تلاش می‌کند با اغوا کردن لودوین، ماجرای ورونیک را لاپوشانی کند. اما لودوین پی به ماجرا می‌برد...

■ درباره کارگردان

ژاک ریوت اول ماه مارس ۱۹۲۸ در رویون به دنیا آمد. او در سال‌های ۱۹۴۹ و ۱۹۵۰ دو فیلم کوتاه ساخت که در دومی ژان لوک گدار بازی کرد. در اواسط دهه پنجاه، ریوت به عنوان دستیار فیلمسازانی نظیر ژان رنوار و ژاک بکر کار کرد و در سال ۱۹۵۸، ریوت به همراه کلود شابرول زودتر از سه فیلمساز مشهور دیگر فیلمشان را ساخت. ژاک به همراه دوستانش با یک‌دوربین ۱۶ میلی‌متری توی خیابان‌ها راه می‌رفت و فیلم می‌گرفت. پس از موفقیت تجاری فیلم‌های «چهارصد ضربه» ساخته ترفوفو و «هیروشیما عشق من» ساخته آلن رنه بودکه فیلم روشنفکرانه و بلند «پاریس مال ماست» در سال ۱۹۶۰ به نمایش آمد.

در این فیلم شابرول، گدار و ژاک دمی بازی می‌کردند. شش سال بعد ریوت فیلم «راهبه» را بر اساس رمانی از دیدروت ساخت. او در سال ۱۹۶۳ نیز این فیلم را روی صحنه تئاتر برده بود. این فیلم اولین و تنها موفقیت تجاری ژاک ریوت بود. دولت فرانسه به مدت یک‌سال نمایش این فیلم را ممنوع کرده بود. اما استعداد واقعی این فیلمساز فرانسوی بین سال‌های ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۴ بروز پیدا کرد. در این دوره کارگردان فیلم چهارساعته عشق دیوانه وار (۱۹۶۸)، فیلم Out one (۱۹۷۰) و فیلم سه ساعته «سلین و ژولی به قایق سواری می‌روند» را ساخت. در این سه فیلم ریوت تمهیدی را بنا نهاد که خودش آن را «خانه داستان» نامید. در سال ۱۹۷۶ او پیشنهاد ساخت چهار فیلم را دریافت کرد. او دو فیلم «گرگ و میش» (۱۹۷۶) و «باد شمال غربی» (۱۹۷۶) را ساخت اما دو تای دیگر هیچ گاه ساخته نشد. بسیاری از منتقدین فیلم «باد شمال غربی» را بهترین اثر ژاک ریوت دانسته‌اند. در دهه هشتاد او پنج فیلم ساخت که از این بین تنها فیلم «عشق روی زمین» در آمریکا به نمایش درآمد. «چرخ و فلک»، «زیبایی دردسرساز»، «دفاع سری» و «داستان ماری و ژولین» از دیگر فیلم‌های ژاک ریوت هستند.

اگرچه فرانسوا ترفوفو در جایی نوشته بود که سینمای موج نو فرانسه با ریوت آغاز شد، فیلم‌های این فیلمساز فرانسوی چندان شناخته شده نیست. ریوت مثل دیگر همکارانش در مجله «کایه دو سینما» یعنی ترفوفو، ژان لوک گدار، کلود شابرول و اریک رومر برای ورود به عالم فیلمسازی به تحصیل پرداخت اما همچون رومر خیلی دیر کارش را آغاز کرد.

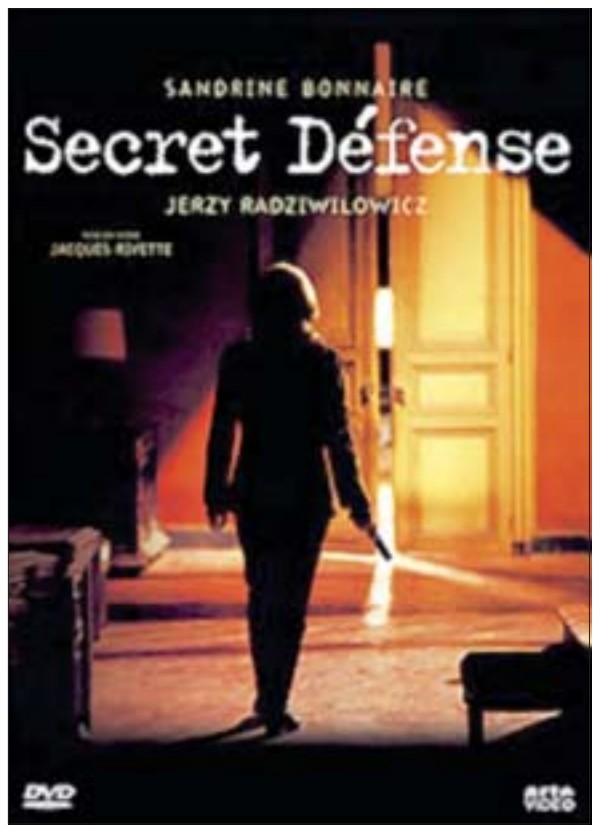

ریوت از علاقه‌مندان پر و پا قرص سینمای آمریکا و به طور مستقیم آثار رابرت آلدریچ و فرانک تاشلین است. درابعاد درام‌های یونانی فیلم «دفاع سری» را درامی در ابعاد درام‌های یونانی نامیده‌اند. این عنوان به خاطر ریشه‌های تاریخی داستان فیلم به «دفاع سری» داده شده است. بی‌تردید «دفاع سری» را می‌توان روایت مدرن از اسطوره الکترا دانست. سیلوی، شخصیت اصلی فیلم است. در اولین صحنه‌ای که سیلوی را می‌بینیم او در نمایی متوسط مشغول تحقیق در سلول‌های آزمایشگاهی است. برادرش اما او را به کنجکاوی در ابعادی بزرگ‌تر دعوت می‌کند. کنجکاوی در زمینه‌ای که به اندازه سلول‌های لابراتوار مستدل نیست و شاید هرچه سیلوی چشمانش را بیشتر باز می‌کند کمتر به حقیقت می‌رسد. ژاک ریوت لنز دوربینش را باز می‌کند و به تماشاگر اجازه می‌دهد تا سر فرصت نظاره‌گر جست‌وجوی سیلوی برای دستیابی به حقیقت باشد. نکته جالب در فیلم این است که تقریباً تمام امکانات برای آشکار شدن حقیقت وجود دارد. هیچ‌گونه پنهانکاری در میان نیست. اما به طرز عجیبی حقیقت از سیلوی می‌گریزد. در فیلم شخصیت سیلوی همیشه به سوی حقیقت در گریز است. بی‌قراری او این حس را به تماشاگر منتقل می‌کند که سیلوی هم از چیزی می‌گریزد و هم به دنبال چیزی است. اضطراب سیلوی برای دستیابی به حقیقت پس از آنکه او ورونیک را می‌کشد تشدید می‌شود. در ادامه سیلوی به شخصیتی منفعل تبدیل می‌شود. اما همین انفعال او را به حقیقت نزدیک‌تر می‌کند. ارتباط سیلوی و والسر روی دیگری از سکه را به او نشان می‌دهد. حضور سیلوی در ویلای روستایی والسر، دنیای جدیدی را پیش روی این دختر بیقرار می‌گذارد. دنیایی که در آن برعکس تصورات ابتدایی سیلوی، والسر چهره منفوری نیست که به دوستش خیانت کرده باشد. حتی مادر سیلوی نیز اعتراف می‌کند که نظرش نسبت به والسر منفی نیست.

بیقراری سیلوی وقتی دوچندان می‌شود که از زبان مادرش می‌شنود: «من از والسر متشکرم». مادر سیلوی از مردی ممنون است که پدرش را به قتل رسانده است. حضور لودوین در خانه والسر، کابوس قتل را بیش از پیش در ذهن سیلوی زنده می‌کند. او که قبلاً عذاب وجدان ناشی از قتل را با خود به همراه داشت با حضور لودوین حادثه قتل را پیش روی خود می‌بیند.

از طرف دیگر برخورد والسر با لودوین، برای منحرف کردن ذهن او از مرگ خواهرش آینه تمام‌نمای رفتاری است که این مرد قبلاً با خود سیلوی داشته است. در واقع سیلوی احساس می‌کند همچنان که والسر در حال حاضر لودوین را سرگرم می‌کند تا ماجرای یک قتل را پنهان کند، رفتار قبلی‌اش با او نیز تاکیدی بر قتل پدر سیلوی است. شخصیت مهم دیگر فیلم والسر است. از ابتدای فیلم از او چهره مردی تصویر می‌شود که برای رسیدن به صندلی ریاست، مافوقش را از سر راه برداشته و حالا همه سعی‌اش پنهان کردن این واقعیت است. اما ادامه فیلم تصویر دیگری از والسر را به دست می‌دهد. مردی که اغواگر است و می‌تواند زن‌ها را جذب کند. در جریان فیلم تقریباً تمام شخصیت‌های زن فیلم مسحور والسر شده‌اند. برادر سیلوی نیز که در اول فیلم نقش تهییج کننده خواهرش را دارد به تدریج از ماجرا محو می‌شود. در یک صحنه پل در جاده جلوی والسر را می‌گیرد اما با وجود اینکه قصد می‌کند او را بکشد نمی‌تواند این کار را انجام دهد. او مثل خودش قصه می‌گوید. می‌گویند فیلم‌های ژاک ریوت هیچگاه از نظرتجاری موفق نبوده است. خب تماشاگرانی که به امید پیگیری یک ماجرا روی صندلی سینما نشسته‌اند دنبال رخ دادن اتفاق هستند. آنها انتظار دارند روی پرده سینما صحنه‌های مهیج ببینند. حق بدهید به آنهایی که حوصله تماشای چنین فیلم‌هایی را نداشته باشند. البته آنها که دیگر فیلم‌های ریوت را دیده‌اند می‌دانند که فیلم «دفاع سری» خیلی طولانی نیست. چرا که فیلم‌های ریوت معمولاً بسیار بلندتر از این هستند.

یکی از فیلم‌های او حدود چهارده ساعت است. این مولفه سینمای ریوت در فیلم «دفاع سری» قابل پیگیری است. فیلم داستان‌های فرعی ندارد. یک داستان سرراست و مشخص که از ابتدا تا انتهای فیلم دنبال می‌شود. ریوت هیچ تلاشی برای جذاب شدن فیلم برای تماشاگر به خرج نمی‌دهد. او داستان را به شیوه خودش برای تماشاگر تعریف می‌کند. این گفته به معنای آن نیست که فیلمساز برای تماشاگرش ارزش قایل نیست بلکه چنان نماها را با طمانینه ارائه می‌کند تا تماشاگر بتواند در نما شرکت کند و هر آنچه که هست را با دقت درک کند. صحنه‌های حضور سیلوی در مترو مصداق خوبی برای این قضیه است. در طول فیلم سیلوی چندین و چند بار به ایستگاه مترو می‌رود و از آنجا خارج می‌شود. ریوت تک تک این صحنه را با اطنابی مثال‌زدنی نشان می‌دهد. جالب اینکه در این فیلم ۱۷۰ دقیقه‌ای، نماهای خیلی‌بلندی وجود ندارد. بنابراین کش آمدن فیلم بیش از اینکه به خاطر نماهای بلند باشد به دلیل کوچک بودن داستان فیلم است. در حقیقت ریوت در این فیلم بیش از قصه‌پردازی، به شخصیت‌پردازی اهمیت می‌دهد. دیالوگ‌ها در فیلم «دفاع سری» چندان کاربردی نیستند.

البته بی‌اهمیت بودن دیالوگ‌ها آنقدر اغراق‌آمیز نیست که به چشم بیاید اما کافی است اواسط فیلم فکر کنید چیزهایی که از فیلم فهمیده‌اید را از چه طریقی به دست آورده‌اید. ریوت با عدم تمرکز روی دیالوگ‌ها، اجازه می‌دهد تا فیلمش سینمای ناب باشد. سینمایی که پیش از هر چیزی، در آن تصاویر اهمیت دارند. ژاک ریوت در این فیلم با کمک فیلمبردار مورد علاقه‌اش، تصاویر بکری را ارائه می‌کند و تماشاگر را از لذت بصری سیراب می‌کند.

■ موج نویی اما منحصر به فرد

نام ریوت در عالم سینما اولین بار در کنار دیگر منتقدین مجله کایه دو سینما مطرح شد. آنها سینمای دهه پنجاه فرانسه را سینمای خسته‌کننده‌ای می‌دانستند و در مقابل، برخی فیلمسازان آمریکایی نظیر هیچکاک را ستایش می‌کردند. در سینمای ژاک ریوت هم همچون آثار اکثر فیلمسازان موج نویی، قصه به خودی خود پیچیدگی خاصی ندارد بلکه آنچه واجد ارزش است، تکنیک‌هایی است که به واسطه آن تصاویر عمق پیدا می‌کنند. ریوت اشتراکاتش را با فیلمسازان موج نویی حفظ می‌کند. «دفاع سری» در عین حال فیلم را به اثری با امضای خودش تبدیل می‌کند و مگر نه اینکه یکی از آرمان‌های سینمای موج نو فرانسه، رسیدن فیلمساز به نقطه‌ای است که در آن خودش مولف تصاویرش باشد؟

نقدی بر مجموعه تلویزیونی نرگس ساخته سیروس مقدم

چرا نرگس محبوب شد

یاسر تیموری

مدتی است که شبکه سوم سیما اقدام به پخش سریال نرگس به کارگردانی سیروس مقدم کرده است. این سریال هر شب راس ساعت ۱۰/۴۵ پخش می‌شود و از استقبال خوبی بین مخاطبان تلویزیونی نیز برخوردار است به طوری که در کمتر محفلی این روزها در مورد این سریال صحبت نمی‌شود.

این محبوبیت نسبی و استقبال بینندگان از این سریال به چند دلیل می‌تواند باشد:

۱- پخش هر شب این سریال

چند سالی است که صدا و سیما در ایام نوروز و ماه رمضان اقدام به پخش سریال‌هایی می‌کند که هر شب پخش می‌شوند و مخاطبان بسیاری به خود جذب می‌کنند و این بار پخش یک سریال جدی به طور هر شب در ایامی که نه نوروز است و نه ماه رمضان به جای مجموعه‌های نود شبی شبکه سوم از عواملی است که بی‌تاثیر در جذب مخاطب سریال نرگس نبوده.

پخش هر شب این سریال یقیناً یکی از مهم‌ترین عامل محبوبیت این سریال است. پخش هر شب این سریال به همراه وقایع سریال و تعلیق جاری در آن از عواملی می‌شوند که مخاطب انگیزه برای دنباله‌گیری سریال را داشته باشد، چه‌بسا اگر این سریال هر شب پخش نمی‌شد و مثل اغلب سریال‌های تلویزیونی هفته‌ای یک بار پخش می‌شد این استقبال از آن صورت نمی‌گرفت و اغلب مخاطبان زنجیره حوادث سریال از دست‌شان خارج می‌شد و پس از سپری شدن یک هفته انگیزه و هیجان مخاطب برای دیدن این سریال کاسته می‌شد.

۲- موضوع سریال و کشمکش‌های آن

این سریال داستان خانواده‌ای سه‌نفره است. خانواده‌ای شامل یک مادر و دو دخترش (نرگس و نسرین) که هر کدام طی روابط خود با بیرون یک سری حوادث را رقم می‌زنند. حوادث و ناپایداری‌هایی مانند ازدواج نسرین با بهروز شوکت که از خانواده‌ای متمول است و عقد پنهانی که پدر بهروز از آن بی‌خبر است به خاطر آرزوهایی که برای پسر خود دارد و کم‌محلی خانواده شوکت به نسرین، یا نرگس که درگیر قضیه ازدواج با مردی می‌شود که قبلاً ازدواج کرده و از طرفی برادر دوست صمیمی او سمانه است و ظاهراً مرد ایده‌آلی برای زندگی است و در نهایت بیماری قلبی مادر که به مراحل حاد خود رسیده است. این خلاصه داستان نرگس تا حال است (یعنی زمان نگارش این متن).

همان‌طور که پیداست ناپایداری‌های موجود در سریال بسیار است که هر کدام به نوبه خود گسترش یافتند تا تعلیق دلخواه نویسنده فیلمنامه و کارگردان حاصل شود و با رساندن به نقطه اوج، گره‌گشایی‌ها آغاز شود و در نهایت پایان همه حوادث بدون توجه به بد یا خوب آن. با تاملی اندک بر روند حوادث و سریال و با توجه به مطالب بالا پی می‌بریم عنصر طرح (پیرنگ) از عناصری است که حساب ویژه‌ای روی آن باز شده و عناصری مانند شخصیت، فضا، تکنیک، صحنه و... همه تحت‌الشعاع پیرنگ آن قرار گرفته‌اند؛ یعنی یک سری حوادث براساس روابط علی و معلولی که در یک رابطه سببیت با هم قرار دارند. پیرنگ داستانی این سریال تقریباً خوب پرداخت شده. از شروع گرفته سپس ناپایداری‌ها، بعد بسط و گسترش آنها و استفاده از تعلیق‌ها که حاصل می‌شود برای بردن مخاطب به نقطه اوج و گره‌گشایی‌هایی که آغاز می‌شود و در نهایت پایان. مجال اندک است وگرنه برای هر کدام از بخش‌ها مثال از خود سریال زیاد است.

۳- حضور پوپک گلدره

یکی از ویژگی‌های دیگر این سریال حضور زنده‌یاد پوپک گلدره در نقش نرگس (البته نه تا پایان) است. زنده‌یاد گلدره را همه ما با «دریا دخترک گیلانی» با آن لهجه زیبایش می‌شناسیم. این کار آخرین کار بازیگری او قبل از پروازش بود. بی‌شک حضور این بازیگر با توجه به فقدان او باعث شده تا مردم (مخصوصاً در اوایل شروع سریال) علاقه بیشتری به دیدن سریال پیدا کنند و نوعی ابراز همدردی و شریک شدن در غمی بزرگ برای خانواده‌اش داشته باشند. روحش شاد.

عوامل یاد شده همه براساس استقبال مخاطبان عام بررسی شده؛ یعنی علت محبوبیت این سریال در بین عامه مردم چه بود. قطعاً بر این سریال انتقادهای زیادی وارد است. یکی از مشکلات اصلی این سریال در پرداخت شخصیت نرگس است. شخصیتی که نام سریال نیز از آن گرفته شده. به نظر می‌آید قرار است نرگس شخصیتی صبور، دلسوز، از خود گذشته و مثبت داشته باشد، این یقیناً چیز پسندیده‌ای است اما به اصطلاح این شخصیت از آن طرف بام می‌افتد؛ یعنی گاهی آنقدر خوب می‌شود که توی ذوق می‌زند و مخاطب لحظه‌شماری می‌کند تا سریال تغییر موقعیت دهد و به موقعیتی برود که نرگس نباشد. حس بزرگ‌منشی بیش از اندازه و خصوصیات دیگر نرگس مخاطب را به جای جذب، از این شخصیت دفع می‌کند. با کمی تعادل و رعایت منطق می‌توانست نرگس شخصیتی جذاب‌تر از این داشته باشد. شخصیتی که کاملاً جا افتاده شخصیت محمود شوکت (پدر بهروز) با بازی بسیار خوب حسن پورشیرازی است. شخصیتی واقعی، قابل لمس و جذاب.

خبرها

کلیپ اذان ساخته شد

احمد زالی تهیه‌کننده «کلیپ اذان» گفت: این کلیپ ۱۴ دقیقه‌ای در سه بخش به هم پیوسته که بخش اول درباره خلقت انسان، بخش دوم رهایی انسان از فریب شیطان و بخش سوم صدای الله اکبر و اذان است تولید شده است.

احمد زالی در گفت‌وگو با خبرنگار خبرگزاری فارس گفت: تولید کلیپ اذان ۱۴ دقیقه‌ای هفت ماه به طول انجامیده است. وی با بیان این که در تهیه این اثر مذهبی اصول کلاسیک کاملاً رعایت شده است، افزود: در طول چهار ماه تحقیق و صحبت‌هایی که با فقها و علما داشتیم به این نتیجه رسیدیم که در اذان مفهومی عمیق مستتر است که فقط ارتباط با نماز ندارد، به معنای دیگر، اذان صرفاً وسیله‌ای برای دعوت به نماز خواندن نیست به عنوان مثال در اذان بیش از هشت بار روی وحدانیت (توحید) بحث شده و فقط دو بار روی صلاه (نماز) سخن آمده است. زالی با بیان این که در تولید این اثر مذهبی از ابتکارات نویی بهره گرفته شده است، گفت: تاکنون اگر در تولید اکثر کلیپ‌ها و در فیلمبرداری صحنه‌ها از هلی‌کوپتر استفاده می‌شده است در تولید اثر حاضر، از هواپیما جهت فیلمبرداری از صحنه‌ها استفاده کردیم و به هیچ عنوان از صحنه‌های آرشیوی بهره نگرفتیم. طوری که برای تصویربرداری از کوه‌های اطراف نیشابور، جرثقیل‌ها را تا نوک کوه‌ها منتقل کردیم. زالی خاطرنشان کرد: این اثر مذهبی در ۱۴ دقیقه زمانی تهیه شده است و صوت اذان از سلیم مؤذن‌زاده اردبیلی است که تاکنون از هیچ شبکه تلویزیونی و رادیویی پخش نشده است. وی بار دیگر این اثر را در نوع خود منحصر به فرد دانست و افزود: در این کلیپ هنگام نمایش اذان روی موضوع «اشهد ان لا اله الا الله» صحنه غدیر و هنگامی که پیامبر اکرم (ص) دست امیرالمؤمنین را برای بیعت بالا می‌برد بازسازی شده است و از مسجدی در نیشابور استفاده شده که کلاً از چوب ساخته شده است.

زالی یادآور شد: از تجهیزات پیشرفته و تکنولوژی‌های مدرن و روز دنیا در صحنه فیلمبرداری استفاده کردیم تا این نگاه را از اذهان پاک کنیم که کارهای مذهبی پیش پا افتاده نیست. به گفته زالی این اثر در جشنواره مذهبی ایتالیا شرکت کرده که قرار است در مهر ماه در رم برگزار شود، به بخش مسابقه راه یافته است. تهیه‌کننده دیگر این اثر «سعید سنگوری» است و محمد تامینی کارگردان و ۱۲ نفر پشت صحنه در تولید این مجموعه همکاری داشتند. زالی گفت: پلان این اثر ارجینال است و در تهیه آن به هیچ وجه از آرشیو فیلم‌ها و کلیپ‌های دیگر استفاده نشده است طوری که این اثر به قدری قوی است که هر بیننده‌ای را در نگاه اول به تعجب وامی‌دارد و بیننده آن را با فیلم‌های هالیوودی اشتباه می‌گیرد.

رسام با آخرین گناه

تصویربرداری مجموعه «آخرین گناه» که تیرماه با حضور جمشید مشایخی آغاز شده است تا پایان رمضان ادامه دارد. مهران رسام - تهیه‌کننده - در گفت‌وگو با خبرنگار سرویس تلویزیون خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، با اعلام این خبر اظهار کرد: اکنون ۲۰ درصد از تصویربرداری «آخرین گناه» به پایان رسیده است و این مرحله تا پایان ماه مبارک رمضان ادامه می‌یابد. وی در پاسخ به این پرسش که آیا نگارش فیلمنامه «آخرین گناه» به پایان رسیده است، گفت: اکنون ۱۵ قسمت از فیلمنامه این مجموعه به قلم امید سهرابی و رحمان سیفی‌آزاد آماده است. رسام در پایان با بیان این که این سریال در ۴۰ محل فیلمبرداری می‌شود، اظهار کرد: به جز یک قسمت از «آخرین گناه» که در روستای کردان تصویربرداری می‌شود، سایر قسمت‌ها در تهران ساخته می‌شود. «آخرین گناه» در ۳۰ قسمت برای پخش از شبکه دو در ماه مبارک رمضان ساخته می‌شود و برخی از عوامل ساخت آن عبارتند از کارگردان: حسین سهیلی‌زاده، طراح چهره‌پردازی: محمد قومی، مدیر تولید: رحیان صفت و طراح صحنه و لباس: آنتیا جواهریچی و بازیگران: جمشید مشایخی (دکتر اکرمی)، علی دهکری (حاج صدوق)، حمیدرضا پگاه، لیلا اوتادی، منوچهر آذر، اشکان خطیبی، محمدعمرانی و آرش مجیدی. در «آخرین گناه» می‌بینیم که افراد مشهوری در شهر که مردم هر یک از آنها را به گناهی می‌شناسند، به طرز مشکوکی کشته می‌شوند.

«استاد معمار» در شبکه چهار

تئاتر تلویزیونی «استاد معمار» به کارگردانی هادی مرزبان از چهارشنبه هفته آینده (۲۵ مرداد) روی آنتن پخش شبکه چهار می‌رود. علی اصغر آزادان تهیه‌کننده این تله‌تئاتر، در گفت‌وگو با خبرگزاری «مهر» ضمن اعلام این خبر درباره مضمون اثر گفت: «هنریک ایبسن در این تئاتر رویکردی به سمبلیسم دارد و بخشی از دغدغه‌های خود را در دوران میانسالی مطرح می‌کند. در اصل نگاه نویسنده در قالب نوع برخورد و نگاه شخصیت اصلی این نمایشنامه - استاد معمار - به نوعی تجلی پیدا می‌کند.» وی درباره داستان «استاد معمار» خاطرنشان کرد: «قصه درباره استاد معماری است که برج و کلیسا می‌سازد و در دوران فعالیت حرفه‌ای خود معماری موفق است. این استاد از حرکت و فعالیت سریع و رو به گسترش جوانان به شدت دچار واهمه می‌شود و از اینکه روزی او را کنار بزنند، بسیار نگران است. استاد سعی می‌کند دستیارش را به نوعی کنار خود نگه دارد و از رشد او جلوگیری کند. در این بین حضور زنی جوان به نام ایلد وانگل شرایط زندگی استاد را به شدت تحت تاثیر قرار می‌دهد.» مجید مظفری، لادن مستوفی، محمد عمرانی، فریبا کوثری، علی رامز و شهرام نوشیر بازیگران اصلی تئاتر تلویزیونی «استاد معمار» هستند. تئاتر تلویزیونی «استاد معمار» در قالب ۳ قسمت ۶۰ دقیقه‌ای به صورت ۳ هفته متوالی به همت گروه ادب و هنر شبکه چهار سیما پخش می‌شود.